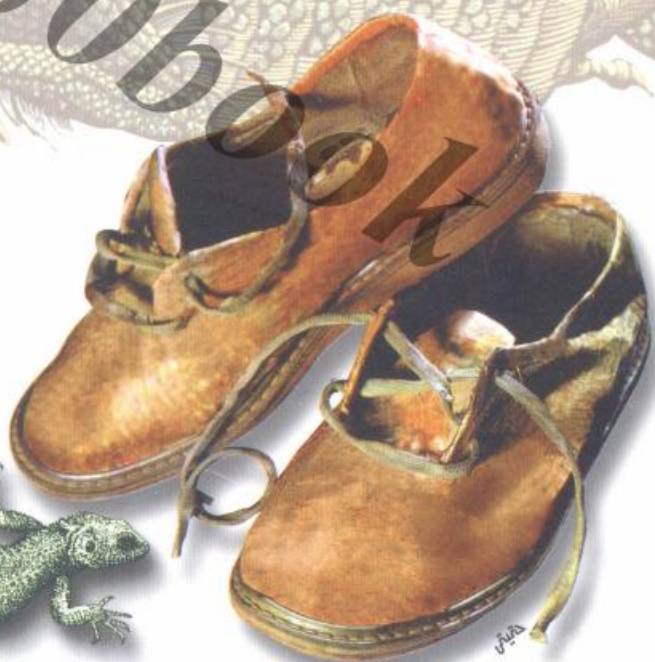


# حکایت آن اژدها

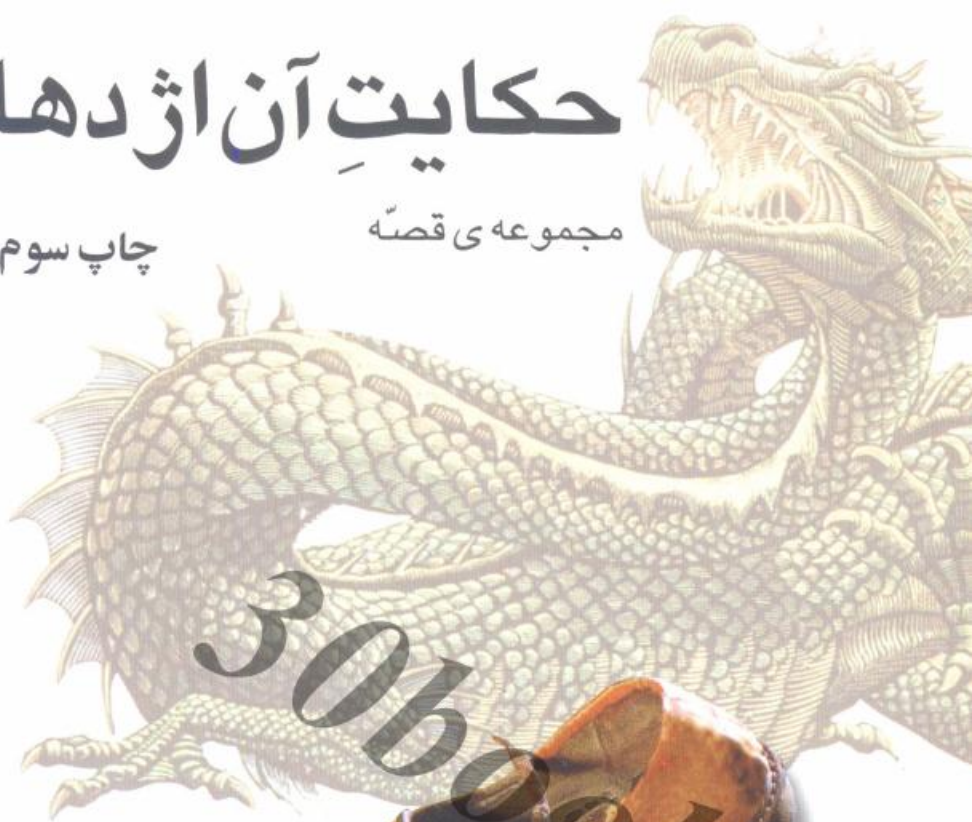
مجموعه ی قصه

چاپ سوم

306book



نادر ابراهیمی



# حکایتِ آن ارژدها

مجموعه‌ی ده داستانِ کوتاه

نادر ابراهیمی



انتشارات هاشمی

۱۳۸۹

ابراهیمی، نادر، ۱۳۱۴ -  
حکایت آن ازدها، مجموعه ده داستان کوتاه / نویسنده نادر ابراهیمی .  
- تهران: هاشمی، ۱۳۷۷.  
چاپ سوم ۱۳۸۹  
۱۶۰ ص.  
شابک: ۴-۲-۹۱۹۷۵-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-91975-2-4  
الف. عنوان  
۷ ح ۵۸ ب / ۷۹۴۳  
۸ فا ۳ / ۶۲



انتشارات هاشمی

دفتر مرکزی و فروشگاه شماره ۱: میدان ولی عصر، مقابل وزارت بازرگانی، شماره ۱۶۸۵، تلفن: ۸۸۹۳۸۸۳۸  
فروشگاه شماره ۲: پاسداران جنوبی، شماره ۱۳۳، تلفن: ۲۲۸۴۳۳۹۰

### حکایت آن ازدها

مجموعه ده داستان کوتاه

نویسنده: نادر ابراهیمی

طراح جلد: ابراهیم حقیقی

حروفچینی و آماده‌سازی چاپ: شرکت قلم

چاپ سوم: ۱۳۸۹

چاپ و صحافی: خاشع

شماره ۱۶۰

حکایت آن ازدها (مجموعه ۰

قیمت: ۶۰.۰۰۰ ریال



7296

انتشارات هاشمی 88938838

این کتابچه را هم، مثل بسیاری از آثارم، به همسرم فرزانه  
پیشکش می‌کنم، که در سردترین سال‌ها، باز، و همچنان،  
دلگرمی من است.

ناگفته نگذارم که سه قصه از این مجموعه‌ی کوچک، به  
هنگام نگارش یا تنظیم، به کسانی که دوست‌شان دارم و  
عزیزند نزد من، تقدیم شده است - که این اهداء، به قوت  
خود باقی‌ست.

ن. ا.

30book

## فهرست

- ۷ ..... مقدمه‌یی در باب شیوهی «سرزیر»
- ۲۳ ..... تذکره‌ی چاه
- ۴۳ ..... بسته - باز
- ۵۳ ..... مُج
- ۷۱ ..... چیزی هست که هرگز پیر نمی‌شود
- ۸۹ ..... لال از آن وقت که واژه آغاز کرد
- ۹۷ ..... بر دمیدن یاس از پشتِ جبالِ بیداری
- ۱۰۷ ..... و هم شبِ اوّل ...
- ۱۱۵ ..... حکایتِ آن ازدها
- ۱۳۳ ..... تابوتم را بر سرِ دست می‌برند
- ۱۵۱ ..... تنها در قلب

## مقدمه

خودم را موظف دیده‌ام که درباره‌ی شیوه‌ی تازه‌ی قصه‌نویسی و داستان کوتاه نویسی خود، توضیحی بسیار مختصر و احتمالاً هم نه چندان رسا، به قصه‌نویسان جوان و با ایمان میهنم - که امروزه گروهی بزرگ را ساخته‌اند و من به عنوان خواننده چشم امید به جماعتی از ایشان دوخته‌ام - بدهم، و بعد، در فرصت مناسب، در جزوه‌ی مستقل، به مقایسه‌ی همه جانبه‌ی این شیوه با شیوه‌های دیگر قصه و حکایت و داستان کوتاه نویسی بپردازم و به ارائه‌ی توضیحات تا حد ممکن کافی، و نمونه‌های متعدد اقدام کنم.

خودم را موظف دیده‌ام، به این دلیل که این شیوه، از نظر «صورت»، خود را بر ملا نمی‌کند و نشان نمی‌دهد که فرقی با شیوه‌های دیگر دارد، و آنچه که ایجاد تفاوت می‌کند، عمدتاً مربوط به نوع کارکرد ذهن و حافظه به هنگام خلق و تولید است، و بیشتر، حرف از یک شیوه‌ی نگارش

درونی‌ست تا یک سبکِ بیان یا نگرش و تفکر.

خودم را موظف دیده‌ام، به خاطر آنکه در این شیوه، در پی تغییراتی در بافتِ زبان نبوده‌ام و ساختار کارهایم را هم عوض نکرده‌ام، و بیش از این، باز هم با همان سازه‌هایی کار کرده‌ام که در پنجاه سال گذشته از آنها سود جسته‌ام.

خودم را موظف دیده‌ام، همچنین، به خاطر آنکه گمان می‌برم - با آشنایی نسبتاً همه سویه و گسترده‌یی که با حکایات و قصه‌های ایرانی دارم - این شیوه‌ی «کار»، نزدیک است به شیوه‌های ایرانیِ خلق و تولید حکایت، و نزدیک است به شیوه‌های تصویرسازی، تمثیل‌سازی، کنایه‌سازی، نمادآفرینی ایرانی؛ و ناگزیر، در طولِ زمان، رجعتی نوجویانه پدید خواهد آورد به شیوه‌ی تفکر تاریخی - اجتماعی ملت ایران.

بنابراین، مسأله، مسأله‌ی درونی‌ست و نه چندان عینی و ملموس؛ اما، چه بسا، این «شیوه‌ی تفکر تولیدی»، قصه‌نویسانِ دل‌نگران، شتاب‌زده، آشفته‌حال، و سواسی و گرفتار تردید را قدری به کار آید و ایشان را صبورِ خلقی ماندگار، بیخشد.



نزدیک به سالِ هفتاد و هشتِ شمسی هستیم، و این آخرین مجموعه‌ی قصه‌های کوتاه من است - به جز یکی که یادداشت‌های سفر است و قبل از انقلاب نوشته شده.

چندین سال بود که به دلیل گرفتار بودن در دام داستان‌های بلند و فیلمنامه و تحقیق در مسائل داستان و هنر و زیبایی‌شناسی و نوشتن چندین جلد از فرهنگ ایران‌شناسی زیر عنوانِ کُلّی «ایران را عزیز بداریم» برای کودکان و نوجوانانِ وطن، و تدریس در چندین رشته‌ی ادبیات و سینما، فرصتی برای خلقِ قصه و داستان کوتاه به دست نمی‌آمد و البته سخت‌هم

پرهیز می‌کردم از اینکه تهاجمِ جرّقه، تصویر، یا موضوعی را که ممکن بود مُنجر به نوشتنِ قصّه و داستان کوتاه بشود، تن بدهم.

در سال‌های زنده - بین هفتاد تا به حال - باز، کششی به سوی نگارشِ نوعِ کوتاه به شیوه‌ی دیگری در من پیدا شد - سرکوب‌ناپذیر، با انگیزه‌ها و هدف‌های گوناگون؛ از جمله میل به نوشتن در زمینه‌ی جنگِ بزرگِ تدافعی‌ما علیه جهانِ متحدِ در ستم، که عراقِ حقیر، امر بر این جهان بود؛ و نیز میل به ادای دین به جانبازان میهن - که با گروهی از ایشان نشست و برخاست داشته‌ام - که بی‌شک، آموزگارانِ مهربانِ روح من اند - و نیز مثل همیشه، کششِ شدید به مشارکتِ فرهنگی - سیاسی در مسائلِ روزِ سرزمینِ مقدّس با فرا ابزارِ ماندگارِ ادبیاتِ داستانی؛ و سرانجام، وجود مجله‌ی به نام «ادبیات داستانی» به مدیریتِ بانو تُجّارِ داستان‌نویس و دکتر آژندِ ادیبِ دانشمند؛ که مرا میل به حضور در این مجله‌ی معتبر - که البته جولانگاهِ قصّه‌نویسانِ جوانِ ما بوده و هست - پدید آمد تا بدانم که تا چه اندازه جوان مانده‌ام، یا نمانده‌ام...

... و شاید، این دلیلِ خودخواهانه هم وجود داشت که پیش خود پذیرفته بودم و باور کرده بودم که در این نوع - یعنی قصّه و داستان کوتاه و حکایت - حرف‌های تازه‌ی برای گفتن یافته‌ام و شیوه‌ی تازه‌ی برای نگارش، که خوب است بگویم و بنمایم و بروم؛ و این «بروم» اشاره‌ی ست صریح و حسّی به اینکه به احتمال فراوان، این آخرین مجموعه‌ی قصّه‌های کوتاه من خواهد بود، و دیگر با این انبوه باور نکردنی کارهای ناتمام، فرصتی نخواهم یافت که باز به قصّه‌ی کوتاه بپردازم - مگر به سبب تهاجماتِ نا شناخته و ناگهانی.



در این مجموعه‌ی کوچک، به نوعی «خود به خودی» در نوشتن



شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۱۹۷۵-۲-۴  
ISBN : 978 - 964 - 91975 - 2 - 4



# 30book



انتشارات هاشمی